

دالدرمائی یا جوشانده ای استخباراتی ؟ نگاه متفاوت به معادله صلح !



پیوسته گذشته بخش یکصدوسی ام

تاریخ چند دهه اخیر افغانستان با همه عظمت‌های خیره کننده و ویژه گیهای اعجاب انگیزش متأسفانه دارای یک نقص عمده بود که این عیب بزرگ بر همه دست آوردهای نسل مبارز افغانستان سنگینی میکند بدون تردید ما یعنی همه نیروها و کسانی که درس‌رزمین باستانی افغانستان علم مبارزه را بلندساخته بودیم و شعار آبادانی کشور را سر میدادیم هیچگونه توجه به کرامت و حقوق خدا داد انسانی و بشری نداشته ایم این بدین معناست که همه ما اعم از فعالان اندیشه های چپ که آثاری از مارکسیسم و لنینیسم را از سرزمین های دیگری حاصل میکردیم و تلاش مینمودیم تا در جغرافیای افغانستان آنرا با شیوه کارتونی و "نقل مطابق اصل" بنام دیکتاتوری پرولتاریا تجربه نمائیم . طبیعی است که در چنین شرائط سنگواره ای و منجمد حاکم بر جامعه افغانی همه مخالفان اندیشه ها را به شکل خشونت آمیزی به قتل و نابودی محکوم مینمودیم ،

<https://www.youtube.com/watch?v=455p6ogKIRU>

یکی از علت های اساسی شکست اندیشه های چپ نیز همانا توهم در شناخت هویت و موقعیت تاریخی انسان در هستی و نقش وی در ساختار تمدن بشری بوده که متأسفانه ما بجایی تن دادن به این واقعیت که انسان موجود خلاق است که تولید اندیشه برای زندگی از فرآورده های وی به شمار می آید و در هر لحظه ای از زندگی به نوآوری های تازه دسترسی پیدامیکند .



متن امضا شده موافقتنامه صلح میان گلبدین حکمتیار و حکومت کابل

اکثریتی از ما یعنی اعم از کسانی که با خواب های اندیشه های چپ زندگی مینمودیم و یا هم کسانی که شمشیر برهنه ای مذهب را بصورت غیر عقلانی و اجتهادی بر همه مخالفان اندیشه ها میکشیدیم و خون آنها را ثواب مینامیدیم در مفاهیم مشروعیت و حقانیت در اشتباه واقع شده بودیم زیرا فرآیند مشروعیت

سیاسی و قانونی با حقانیت فرق دارد ، ممکن است آن فردی را که مردم انتخاب نموده اند از نظر برخی از ما شائستگی نداشته باشد ولی به دلیل انتخاب مردم نه میتوانیم خواست ورآی و نظر شخصی خویش را بر دیگران تحمیل کنم که این رفتار از لحاظ حقوقی عین استبداد و دیکتاتوری است . بنا براین ما نسلی هستیم که در اسارت استبداد دیکتاتوری پرولتاریا و نظام مافیائی بورژوائی و یاهم استبداد مذهبی قرار یافته ایم . این قلم بارها گفته است و نوشته ام که ایدئولوژی، بینش و آگاهی ویژه ای است که انسان نسبت به خود، جایگاه طبقاتی، پایگاه اجتماعی، وضع مالی، تقدیر جهانی و تاریخی خود و گروه اجتماعی ای که بدان وابسته است، دارد و آن را توجیه می کند و بر اساس آن، مسئولیت ها، راه حل ها و جهت یابی ها و موضع گیری ها و آرمان ها و قضاوت های خاص پیدا می کند.

<https://www.youtube.com/watch?v=684M2JXF21k>

اظهارات غیرت بهیر که در جواب پرسش خبرنگار تلویزیون شمشاد از شجره النسب مذاکرات صلح با حکومت کابل سخن گفته است
لهدا نباید تعجب کرد که چگونه محمد حنیف اتمر یکی از چهره های کرپه اطلاعاتی و امنیتی که علی الرغم تظاهر بر حضورمقتدرانه امنیتی در ریاست خاد دولت ایدئولوژیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان نامورترین مبارزان تاریخ کشور افغانستان را در قلابه های آغشته بر "**دالرو موتر**" در پای خوکان قدرت ذبح شرعی نمودند ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=684M2JXF21k>

زیرا به اساس اعترافات صریح وی و دیگر همکاران پروژه ء موسوم به صلح با حزب اسلامی افغانستان این پروژه از چند سال بدینسو حتی آنگاهی که کودکان معصوم وزنان ومردان بینوای شهرکابل در عملیات انتحاری به شهادت میرسیدند که جنگجویان حزب اسلامی مسؤلیت آنرا بر عهده می گرفتند و سخنگوی حزب اسلامی نیز اعلام داشته بود که این عملیات توسط یک خانم به اسم فاطمه بصورت فداکارانه انجام یافته بود

https://www.youtube.com/watch?v=Za_laOyz4OA

چنانچه متذکر شدیم سخنگوی حزب اسلامی برهبریی گلبدین حکمتیار پس از انجام این عملیات خونین ضمن بر عهده گرفتن مسؤلیت این عملیات با افتخار و مباحات اعلام داشت که این عملیات توسط یک خانمی به اسم فاطمه انجام یافته است و شاید هم این گونه اظهارات از جهت تظاهر بر **آزادی !!** زن در تشکیلات حزب اسلامی بوده باشد که وی بصورت آزادانه و رضاکارانه در عملیات انتحاری اشتراک داشته است !!

<https://www.youtube.com/watch?v=gdWNomRCWlc>

اکنون میبینید که آن خانم بیمار روانی چگونه قبل از انجام عملیات انتحاری برای گرم نگهداشتن تنور خونین جنگ ، دیگرکودکان بینوا وبی خبر ازدنیای خون و جنایات را تشویق و ترغیب می دارند و فضائل انتحار را که بنام استشهاد یاد میکنند با استنادات ضعیف و مسخره آور بیان می کند!!



چنانچه انگیزه این عملیات را ساخت فیلم رسوایی ضد اسلامی خوانده اند که در آن توهین به ساحت مقدس حضرت محمد پیامبر بزرگ اسلام (ص) از سوی کفار در امریکا صورت گرفته بود شاید فرماندهان دستور عملیات انتحاری هرگز ندانسته اند که حتی در زمان حیات پربار حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم این واکنش ابتدائی کفار و مشرکان در برابر پیام رهایی بخش پیامبر گرامی اسلام بوده است. آنحضرت هیچگاهی کسی را مأمور نه ساخت تا برای نابودی اهانت کننده گان به ساحت حضرت رسول به اینگونه وسائل جنایتکارانه متوصل شوند زیرا آنحضرت میدانست که اهانت کردن اعلام شکست در برابر عقلانیت و معنویت است.

<https://www.youtube.com/watch?v=cgmIp56vaAU>

اما یکی از مسخره آمیز ترین استدلالاتی که این طائفه ای از دلایان و شارلاتان های شبه مجاهد و شبه مذهبی در باره آغاز جنگ های معروف کابل بر زبان می آورند داستان کاملاً وارونه ای است که گویا جنگ از سوی دیگران بر آنها تحمیل شده است که غالباً با اینگونه اظهارات اشاره به حکومت مجاهدین و شخص فرمانده شهید احمد شاه مسعود بوده که گویا در تعرض بر حریم مادی و معنوی حزب اسلامی افغانستان آنها همیشه درحالت دفاعی قرار داشتند طبیعی است که دفاع از خود و نوامیس شان بر همه آنها واجب بوده است. اکنون و در آئینه حوادث آن روزگار ببینیم که آیا برآستی هم جنگ از بیرون یا به قول آنها از سوی نیروهای تحت فرماندهی شهید احمدشاه مسعود تحمیل شده بود یا حزب اسلامی افغانستان قصد داشت تا در بستر استراتژی یک سازمان اطلاعات ارتش پاکستان ISI با تنهائی و بدور از خار چشم دشمنان دکترین نظامی پاکستان با شیوه دیکتاتورانه حکومت دست نشانده ای از دشمنان وطن تشکیل دهند،



زیرا می بینیم و میشنویم که در نخستین روزهای سقوط رژیم دکتر نجیب الله آنگاه که شهید احمد شاه مسعود فرمانده بزرگ مجاهدین از تحرکات نظامی و حمله بر کابل از سوی حزب اسلامی اطلاع می یابند بصورت فوری با گلبدین حکمتیار تماس می گیرند و برایش یاد آور میشود که آنها اطلاع یافته اند مجاهدین حزب اسلامی قصد حمله بر کابل را دارند آیا این خیر راست است؟

https://www.youtube.com/watch?v=s_OuDF9OP4A

چنانچه شنیدید آقای گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی با غرور همیشه گی اش در پاسخ زنده یاد احمد شاه مسعود می گویند که: من حرف های تان را شنیدم ولی از طرف خود عرض میکنم که این فیصله ماست، به همه جبهات هدایت داده شده وقت حمله نیز بسیار دقیق انتخاب شده، تا زمانی که حالتی ایجاد نشود که در نتیجه آن عملیات را فرد، فردی از مجاهدین ما منتقی بشمارد ما شاید قادر به تأخیر و تأجیل در این وقت محذب نداشته باشیم. احمد شاه مسعود برایش در پاسخ می گویند که اگر بگوئیم که درگیری نه می شود من از همین حالاً برایتان میگوئیم که بسیار شدید درگیری میشود، شاید جنگی صورت بگیرد که خون صدها و صدها مسلمان در آن بریزد،..... ما چیزی را برای خود نه

طلبیسته ایم و نه میطلبیم و هیچگونه در این قسمت ادعای بخصوصی هم نداشتیم فقط همه چیز را به مصلحت خود شما رهبران بزرگ انداخته ایم ، آقای گلبدین حکمتیار با ژست نهایت مغرورانه در جواب اظهارات احمد شاه مسعود می گوید : من جواب شما را شنیدم من مطالبی را که داشتم قبلاً عرض کردیم !! احمد شاه مسعود باردیگر جهت اطمینان و اتمام حجت از آقای گلبدین حکمتیار می پرسند که پس معنای این گپ این است که بروز یکشنبه حمله میکنید ؟ که مه آمادگی بگیرم ! آقای گلبدین حکمتیار از آقای احمدشاه مسعود می پرسد که آمادگی برای چه ؟ احمد شاه مسعود در جواب می گویند که آمادگی برای دفاع از مردم کابل ، زن کابل ، مرد کابل خورد و کلان کابل ، آمادگی به دفاع از همین ملت مظلوم ، آمادگی برای دفاع از همین مردمی که هرروز بخدا پناه میبرند و میگویند که سرنوشت ما درآنده چه میشود ؟ مه مجبور هستم که از این مردم در برابر هر نوع حمله و با همه طاقتی که دارم دفاع کنم خوب است که قاضی صاحب هم منحیث شاهد میشوند ... اکنون بدنیت تا سخنان آقای محمد امین کریم رئیس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی افغانستان را در باره این جنگها و آنچه که قریب الرحمن سعید به عنوان عذرخواهی از مردم افغانستان مطرح ساخته بود بشنویم و به عنوان انسان های صلح طلب خود قضاوت نمائیم .

<https://www.youtube.com/watch?v=XVLF42DKPU>

می بینید عزیزان ! که این حاج آقا امین کریم با چه ادبیاتی و ترمولوژیی راجع به عذر خواهی از مردم بی دفاع افغانستان سخن می فرمایند ؟ بدنیت سخنان قریب الرحمن سعید را نیز که گویا عده ای از خوشباوران آنرا به معنای عذر خواهی تلقی مینمایند بشنویم .

<https://www.youtube.com/watch?v=zlffLvvsFRo>

آنچه که در این راستا بسیار ضروری اند این است که آیا براستی هم همین اکنون آقای گلبدین حکمتیار و هم رکابان وی بر خشونت ، قتل و خونریزی ، عملیات انتحاری ، و سائر اعمال خونینی که برای کسب قدرت از سوی مفتیان ترور و وحشت به شمول جناب گلبدین حکمتیار فتوی داده می شد دریافته اند که انجام آن همه اعمال زشت و ضد بشری با روح عدالت و توحید که پایه های اصلی یک نظام مردم سالار دینی تلقی میشوند منافات دارند ؟ به گمان غالب چنانچه دیگر اذنان حکومتی و اوباشان جهادی و مفتیان سرکاری نه تنها آنرا یک عمل ضد دینی نه می شمارند بلکه در بسا اوقات بنام تأمین امنیت و حفظ اصل نظام !! متوصل به همان گفتمانی می گردند که در طول تاریخ اسلام جباران و جلادان حاکم بر جوامع بشری آنرا به مثابه چماق مورد استفاده قرار داده اند . چگونه میشود دو گفتمان متضاد را باهم جمع کرد که از طرفی اصل قران و سنت پیامبر و روح اسلام به آزادی مردم و مردم سالاری و مراجعه به آرای اکثریت آنها تکیه میکند و از طرفی هم بنام دین قتل و خونریزی را توجیه شرعی کرد ؟ سردادن شعارهای دموکراسی و برابری در شرائط نابرابر یا اعلان مصالحه با قانون و دموکراسی عبارات و شعارهای پوچ و پوک اند که مشکلی را حل نه خواهند کرد ، زیرا برابری و عدالت در اسلام یک امر قراردادی و نظری نیست بلکه یک امریست که خالق انسان براساس فلسفه خلقت انسان و در جهت رشد او واقعیت عینی داده است ، برای برابری حقوقی ، اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی نیاز به یک بنیان مستحکم و موجه فلسفی منطقی داریم که تا بتوانیم از تناقضات و تصادمات در آنده یک جامعه جلوگیری کرد .

